

صد میدان

خواجه عبدالله انصاری

بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهرست‌ها

از

دکتر سهیلا موسوی سیرجانی



فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|-------|------------------|
| یازده | مقدمه |
| ۱ | دیباچه |
| ۸ | میدان ۱ توبه |
| ۱۱ | میدان ۲ مروّت |
| ۱۴ | میدان ۳ انابت |
| ۱۸ | میدان ۴ فتوّت |
| ۲۱ | میدان ۵ ارادت |
| ۲۴ | میدان ۶ قصد |
| ۲۷ | میدان ۷ صبر |
| ۳۰ | میدان ۸ جهاد |
| ۳۳ | میدان ۹ ریاضت |
| ۳۶ | میدان ۱۰ تهذیب |
| ۳۹ | میدان ۱۱ محاسبت |
| ۴۲ | میدان ۱۲ یقظت |
| ۴۵ | میدان ۱۳ زهد |
| ۴۸ | میدان ۱۴ تجرید |
| ۵۱ | میدان ۱۵ ورع |
| ۵۴ | میدان ۱۶ تقوی |
| ۵۷ | میدان ۱۷ معاملات |
| ۶۰ | میدان ۱۸ مبالات |
| ۶۲ | میدان ۱۹ یقین |
| ۶۵ | میدان ۲۰ بصیرت |
| ۶۷ | میدان ۲۱ توکل |
| ۷۰ | میدان ۲۲ لجا |
| ۷۳ | میدان ۲۳ رضا |

| | | | |
|-----|-------|----------|--------------|
| ۱۷۱ | | میدان ۵۶ | تَمَكُنُ |
| ۱۷۴ | | میدان ۵۷ | حَرَمَت |
| ۱۷۷ | | میدان ۵۸ | غَیْرَت |
| ۱۸۰ | | میدان ۵۹ | ثَقَّتْ |
| ۱۸۳ | | میدان ۶۰ | اِیْثَار |
| ۱۸۶ | | میدان ۶۱ | تَفْوِیْض |
| ۱۸۹ | | میدان ۶۲ | فَتْوَح |
| ۱۹۲ | | میدان ۶۳ | جَمْع |
| ۱۹۵ | | میدان ۶۴ | اِنْقِطَاع |
| ۱۹۸ | | میدان ۶۵ | صَدَق |
| ۲۰۱ | | میدان ۶۶ | صُفَاوَت |
| ۲۰۴ | | میدان ۶۷ | حِیَا |
| ۲۰۷ | | میدان ۶۸ | غَرِیْبَت |
| ۲۱۰ | | میدان ۶۹ | تَوْحِیْد |
| ۲۱۶ | | میدان ۷۰ | تَفْرِیْد |
| ۲۱۹ | | میدان ۷۱ | عِلْم |
| ۲۲۲ | | میدان ۷۲ | بَصْر |
| ۲۲۶ | | میدان ۷۳ | حِیَا |
| ۲۲۹ | | میدان ۷۴ | حِکْمَت |
| ۲۳۲ | | میدان ۷۵ | مَعْرِفَت |
| ۲۳۵ | | میدان ۷۶ | کِرَامَت |
| ۲۳۸ | | میدان ۷۷ | حَقِیْقَت |
| ۲۴۱ | | میدان ۷۸ | وَلَایَت |
| ۲۴۴ | | میدان ۷۹ | تَسْلِیْم |
| ۲۴۷ | | میدان ۸۰ | اِسْتِسْلَام |
| ۲۵۰ | | میدان ۸۱ | اِعْتِصَام |
| ۲۵۳ | | میدان ۸۲ | اِنْفِرَاد |
| ۲۵۶ | | میدان ۸۳ | سَرَ |
| ۲۵۹ | | میدان ۸۴ | غِنَا |
| ۲۶۲ | | میدان ۸۵ | بَسْط |
| ۲۶۵ | | میدان ۸۶ | اِنْبِسَاط |
| ۲۶۸ | | میدان ۸۷ | سَمَاع |

| | | | |
|-----|-------|----------|---------------|
| ۷۵ | | میدان ۲۴ | مَوَافَقَت |
| ۷۸ | | میدان ۲۵ | اِخْلَاص |
| ۸۱ | | میدان ۲۶ | تَبَتَّل |
| ۸۴ | | میدان ۲۷ | عِزْم |
| ۸۷ | | میدان ۲۸ | اِسْتِقَامَت |
| ۹۱ | | میدان ۲۹ | تَفَكَّر |
| ۹۴ | | میدان ۳۰ | تَذَكَّر |
| ۹۷ | | میدان ۳۱ | فَقْر |
| ۱۰۱ | | میدان ۳۲ | تَوَاضِع |
| ۱۰۴ | | میدان ۳۳ | خَوْف |
| ۱۰۸ | | میدان ۳۴ | وَجَل |
| ۱۱۱ | | میدان ۳۵ | رَهْبَت |
| ۱۱۳ | | میدان ۳۶ | اِشْفَاق |
| ۱۱۵ | | میدان ۳۷ | خَشْوَع |
| ۱۱۸ | | میدان ۳۸ | تَذَلَّل |
| ۱۲۱ | | میدان ۳۹ | اِخْبَات |
| ۱۲۳ | | میدان ۴۰ | لِیَاذ |
| ۱۲۶ | | میدان ۴۱ | هَیِیْت |
| ۱۲۹ | | میدان ۴۲ | فِرَار |
| ۱۳۲ | | میدان ۴۳ | رِجَا |
| ۱۳۶ | | میدان ۴۴ | طَلْب |
| ۱۳۹ | | میدان ۴۵ | رَغَبَت |
| ۱۴۲ | | میدان ۴۶ | مَوَاصِلَت |
| ۱۴۵ | | میدان ۴۷ | مَدَاوِمَت |
| ۱۴۸ | | میدان ۴۸ | حَظَرَت |
| ۱۵۱ | | میدان ۴۹ | هَمَّت |
| ۱۵۴ | | میدان ۵۰ | رِعَایَت |
| ۱۵۷ | | میدان ۵۱ | سَکِیْنَه |
| ۱۶۰ | | میدان ۵۲ | طُمَأْنِیْنَت |
| ۱۶۳ | | میدان ۵۳ | مُرَاقِبَت |
| ۱۶۶ | | میدان ۵۴ | اِحْسَان |
| ۱۶۸ | | میدان ۵۵ | اَدَب |

| | | | |
|-----|-------|--------|-----------|
| ۲۷۲ | | اطلاع | میدان ۸۸ |
| ۲۷۵ | | وجد | میدان ۸۹ |
| ۲۷۸ | | لَحْظُ | میدان ۹۰ |
| ۲۸۱ | | وقت | میدان ۹۱ |
| ۲۸۴ | | نفس | میدان ۹۲ |
| ۲۸۷ | | مکاشفه | میدان ۹۳ |
| ۲۹۰ | | سرور | میدان ۹۴ |
| ۲۹۳ | | انس | میدان ۹۵ |
| ۲۹۶ | | دهشت | میدان ۹۶ |
| ۲۹۹ | | مشاهدت | میدان ۹۷ |
| ۳۰۲ | | معاینه | میدان ۹۸ |
| ۳۰۵ | | فنا | میدان ۹۹ |
| ۳۰۸ | | بقا | میدان ۱۰۰ |

مقدمه

در بارهٔ خواجه عبدالله انصاری چه می‌دانیم؟

نیمهٔ دوم قرن پنجم و تمام قرن ششم و اوایل قرن هفتم از مهمترین دوره‌های تاریخ تصوف در ایران است. در نیمهٔ اول قرن پنجم، گروهی از مشایخ بزرگ در ماوراءالنهر، خراسان و عراق به سر می‌بردند و هر یک در خانقاه‌های خود سرگرم تربیت عده‌ای از شاگردان بودند و این امر به ظهور گروه بزرگی از متصوفه انجامید.

در آغاز عهد سلاجقه، مردانی مانند ابوسعید فضل‌الله بن ابی‌الخیر میهنی (م. ۴۴۰) و شیخ ابوالقاسم عبدالکریم قشیری (م. ۴۶۵) - که از مشایخ قدیم بودند - در خراسان بسر می‌بردند و هر یک شاگردانی بزرگ داشتند، و به همین دلیل پس از آنان در گذر تاریخ به عدهٔ زیادی از عرفا بر می‌خوریم.

در همین زمان، یکی از مشاهیر صوفیهٔ خراسان به نام شیخ الاسلام ابواسمعیل عبدالله بن ابی منصور محمد انصاری الهروی - که به خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶ - ۴۸۱) شهرت داشت - می‌زیست که اهمیت او در تاریخ تصوف آشکار است و از او آثار فراوانی به جا مانده است.

شیخ الاسلام ابواسمعیل عبدالله بن محمد انصاری الهروی، از عرفای مشهور و از نویسندگان صاحب ذوق و صاحب سبک فارسی است. مادرش اهل بلخ بود، وی به سال ۳۹۶ ه. ق. در شهر هرات - که اکنون در غرب کابل، پایتخت افغانستان، قرار دارد - به دنیا آمد. استعداد فوق‌العاده و درک و فهم بیش از حد او چنان بود که از خردی، زبانی گویا و طبعی توانا داشت؛ چنان که شعر عربی و پارسی نیک می‌سرود و در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عرب شهرت داشت، به ویژه در «حدیث»، توانا و صاحب اطلاعات و نوشته‌های فراوان بود. وی در فقه روش احمد بن حنبل را داشت. خواجه در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفته و جانشین او بود و علاوه بر او، از مشاهیر متصوفهٔ عهد خود مانند شیخ ابوسعید ابی‌الخیر نیز فایده‌ها برگرفت. اقامتش بیشتر در هرات بود و در آنجا به تعلیم و ارشاد می‌پرداخت تا به سال ۴۸۱ ه. ق درگذشت.

وی شعر می‌سرود و تعدادی از اشعار خود را در رسالات خویش آورده است؛ اما شهرتش برای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صد میدان خواجه عبدالله انصاری^(۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُرِي آيَاتِهِ أَوْلِيَاءَهُ فَيَغَيِّرُ فَوْهَهَا وَصَلَوْتُهُ عَلَى سَيِّدِ الْبَشَرِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ.^(۲)

ذکر تراجم مجالس عقیدت:^(۳)

لِ قَوْلِهِ - عَزَّ وَجَلَّ - (۴): «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»^۲

علی رأس شهر المحرم سنه ثمان و أربعين^(۵) [و اربعمائه]^(۶).

يُذَكِّرُ أَنَّ الْخَضِرَ^۳ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ مَوْلَاهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفُ مَقَامٍ»^۵.

وَكَذَلِكَ ذَكَرَ عَنْ ذِي الثُّونِ الْمِصْرِيِّ^۶ وَ أَبِي يَزِيدَ الْبَسْطَامِيِّ^۷ وَالْجَنَيْدِ^۸ أَبِي بَكْرٍ الْكَنْتَانِيَّ^(۷).

(۱) کتاب صد میدان بسم الله الرحمن الرحيم. ح: بسم الله الرحمن الرحيم.

(۲) ح: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُرِي أَوْلِيَاءَهُ آيَاتِهِ فَتَغَيِّرُ فَوْهَهَا وَصَلَوْتُهُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

(۳) ح: تراجم مجالس عقیدت؟ (۴) ح: ب، ح: ا: قوله - تعالى -:

(۵) ح: «ابتداء: اول شهر محرم سنه ثمان و اربعين و اربعمائه».

(۶) الف: و اربعمائه، ندارد؛ متن بر اساس نسخه (ب) است.

(۷) ح: ب، ح: ا: بعد از اسم های خاص عبارت - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ - آمده است.

۱- سپاس خدایی راست که آیات خویش را به اولیایش نشان می دهد، پس آنها را می شناسند و درود او بر سرور مخلوقات محمد و خاندانش.

۲- «بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد» [ق: ۳۱/۳]

۳- اول ماه محرم سال چهار صد و چهل و هشت.

۴- خضیر: [خ ض / خ ض / خ ض] نزد مسلمانان، نام یکی از انبیاست که موسی را ارشاد کرده و نزد صوفیان نیز مقامی ممتاز دارد. محققان غربی در تشخیص هویت او اختلاف دارند. بعضی گویند دو شخصیت «ایلیا» ی نبی و «جرجیس» قدیس به صورت خضر در آمد. به موجب روایات اسلامی وی یکی از جاویدانان است.

۵- میان بنده و مولایش هزار مقام است.

۶- ذوالنون: [ذ ن ن] ثوبان بن ابراهیم احمیمی مصری ملقب به ابوالفیض (ابوالفیاض) (ف ۲۴۵ ه ق / ۸۵۹ م). اصل وی از مردم لویه و از موالی بود. وی یکی از عارفان بنام با فصاحت و حکمت است. او را به زندقہ متهم کردند. متوکل عباسی وی را احضار کرد و کلام او را بشنید، سپس وی را رها کرده و او به مصر بازگشت و همان جا در گذشت.

۷- با یزید [ی] طیفور بن عیسی بن عیسی بن سروشان بسطامی. ملقب به سلطان العارفین. جدش مجوس بوده است و به دست امام علی بن موسی الرضا مسلمانی گزیده و او را با یزید اکبر گویند. وفات او به سال (۲۶۱ یا ۲۶۲ ه ق) بوده است.

۸- جنید: [ج ن] بغدادی، ابوالقاسم ابن محمد بن جنید، عارف معروف و عالم دینی (ف. بغداد ۲۹۷ ه ق) مولد و منشأ اوبغداد است. وی از نخستین کسانی است که درباره علم توحید در بغداد سخن گفته است.

۹- کنتانی: [ک ن] ابوبکر محمد بن علی بن جعفر کنتانی از مشایخ صوفیه. مسکن او مکه بود.

وفاتش در این شهر سال (۳۲۲ ه ق) در زمان قاهر خلیفه اتفاق افتاد.